



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

«گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران»

تالیف دکتر کاووس حسن لی
انتشارات ثالث - ۱۳۸۳

مصطفی صدیقی

«یک متن ادبی خوب همواره انتظارات ما را دگرگون می‌کند اما متن ادبی بد انتظارات ما را برآورده می‌کند.

متن راحت و سر راست با یک بار خواندن، یک جور معنی می‌شود و هیچ مشکلی پیش نمی‌آورد. اما وقتی که متنی در خوانش‌های متعدد، معانی گونه‌گونی را برمی‌تابد، به آرامی، رام نمی‌شود و توسنی می‌کند.

آشفته بازار ارزیابی شعر نیز توهم بحرانی عظیم را رقم زده است. به گونه‌ای که در کنار جشنواره‌های سینما، تئاتر، موسیقی، داستان نویسی و ... کمتر، شعر به چشم می‌آید و اگر هست نیز بیشتر بنا به مشی‌دوران آن، گروهی را بی‌نصیب و گروهی را برگزیده می‌داند.

«هنوز تعریف مشخصی از شعر امروز نداریم و معلوم نیست که این شعر چیست، هنوز ملاک‌هایمان همان شعر کلاسیک یا نیمایی است و هیچ ملاکی برای سنجش شعر جدیدمان نداریم و نمی‌دانیم شعری را که به نحو ظاهراً ناهنجاری نحو شکنی می‌کند چه بکنیم»

طرح هم سطح و بی‌طرفانه‌ی جریان‌های شعری و گزارش علمی و مستند آن همراه با شواهد شعری در گستره‌ای فراگیر از نام‌ها، کوششی است در این راستا که «گونه‌های نوآوری در شعر معاصر» سر آن دارد.

نگاهی به جریان‌های ادبی را همچون ابژه‌هایی همسان یا سازه‌هایی که یک مفهوم یعنی شعر را فراهم می‌آورند. پیش‌نچشم می‌گسترند و خاستگاه و پیوست و گسست‌های هر کدام را به دیدار می‌آورد.

کتاب شامل یک مقدمه و پنج فصل است؛ مقدمه‌ای مفصل که در آن به جریان‌شناسی

شعر کلاسیک و شعر جدید خلت‌های متفاوتی دارد. تربیت سنتی، در معنا کردن شعر، اثر را قطعه قطعه می‌نمایاند اما شعر امروز به صورت سطرهای گسسته، کمتر تن به معنا شدن می‌دهد که این موضوع خود چالش‌هایی را فراهم می‌آورد. طبیعت نوگرایی، فرا روی از هنجارهای مبعود و نیز تردید را در نهاد خود دارد. و حوزه‌های رسمی مدرسه‌ای که بر پایه‌ی یافته‌های کهن و تثبیت شده، شکل گرفته است بر یافته‌ها و بافته‌های ازلی خود ایستادگی می‌کند.

عدم تبیین بنیان‌های زیباشناسی، کارکردهای زبانی در هر دوره و شیوه‌های تحلیل، دامنه‌ی این تنش را فراخ‌تر می‌کند.

کتاب‌های درسی شعر معاصر نیز همچنان با ذهنیت تذکره نویسی سنتی به معرفی زندگی‌نامه‌ی شاعران معاصر می‌پردازند و مخاطب سرانجام با انبوهی نام مواجه است بی‌هیچ تحلیل و شناخت فراز و فرودهای سبکی، زبانی و ...



شعر معاصر می‌پردازد. همه جریان‌ها در پنج فصل کتاب به تفصیل با مثال‌های متعدد باز نموده شده‌اند و مطالب نظری به گونه‌ای کاربردی و عملی مطرح شده‌اند. در این فصول، نویسنده در جستجوی بنیان‌های زیباشناسی شعر امروز است و می‌کوشد نوآوری‌ها و خلاقیت‌های هر کدام از جریان‌ها را بنمایاند. البته از داوری پرهیز می‌کند و این نکته‌ای قابل توجه است زیرا داوری نوعی غایت‌اندیشی در خود دارد که به احکامی جزمی می‌انجامد و از تحلیل باز می‌ماند.

گستره‌ی نمونه‌ها و شواهد شعری از شاعران نامدار گذشته تا جوان‌ترها را در بر می‌گیرد برخی جریان‌ها نیز که در بخش مقدمه نیامده در فصول کتاب مطرح و معرفی شده است مثل شعر کانتکریت یا توگراف.

نگارنده در نگاهی عمومی جریان‌های پس از نیما را به پنج دسته تقسیم می‌کند که بازیافت گونه‌های نوآوری را نیز بر همین پایه‌ها فاستوار می‌سازد. شاعرانی که به مضامین سیاسی - اجتماعی توجه دارند مثل شاملو و اخوان - شاعرانی که به حوزه‌ی زبان می‌پردازند چون ایرانی و رویایو شاعران چریکی و انقلابی مثل گل‌سرخی و سلطان‌پور - شاعران رمانتیک مانند نادرپور و تولی و سرانجام سپهری و نگاه عرفان گونه‌اش. که در بخش‌های تحلیلی کتاب، جریان‌های پیشرو امروز را برآیند این جریان‌ها دانسته و عناصر شعری آن را نیز از دل این گروه‌ها بر می‌کشد.

این بخش مستند است به سخن‌پدیداورندگان یا مفسران مشهور هر جریان، تا به قول نویسنده «نظر دیگران را به نام خود بازنویسی نکنم». آنچه که امروزه صنعت! کتاب‌سازی

و مقاله‌سازی را به ثریا رسانده است. هم‌نشینی اقوال گویندگان مختلف از سویی خطر کردن است زیرا تنوع شیوه‌های زبانی در بحث و استنتاج و ... سخن را دشوار یاب می‌کند و اما از سویی مخاطب را به جلوه‌های گوناگون طرح یک اندیشه دعوت می‌کند و درک جوانب و وجود مختلف را همراه با وسعت نظر پیش روی خواننده می‌گشاید.

البته تدوین آن‌ها بر درک و دریافت‌های نگارنده استوار است زبانی آکادمیک که می‌کوشد زبان‌رهایی بیرون از دانشگاه را به چنبره‌ی خود بکشد. نیز پرهیز دارد از دشوارنویسی و پیچیده‌گویی، وقتی که «هنجار کتاب‌های تئوریک در جامعه‌ی ما چهل‌در صورت ترجمه و چه در شکل تالیف بر پیچیده‌نویسی است.» و علاقه‌مندان با رمل و اسطرلاب باید به آن معانی راه برند.

به هر روی این بخش جریان‌های شعر معاصر فارسی را در این قسمت‌ها می‌نهد:

شعر پیش از نیما - نگاه و رفتار نیما - شعر پس از نیما - موج نو و شعر حجم - شعر چریکی - شعر حجم و موج‌ناب - شعر انقلاب - شعر گفتار - شعر زبان‌گرای

دهه‌ی هفتاد - تاثیر شعر پست مدرن غرب
- زبان شعر - شعر حرکت.

ابتدا زمینه‌های پیدایش شعر نیما و در پی آن ویژگی‌های زبان و نگاه نیما آمده. آنگاه ضمن نگاهی اجمالی به جریان‌های بعد از نیما هر کدام را جداگانه به اختصار توضیح می‌دهد که چهره‌های مطرح هر جریان همراه با مختصات فکری و زبانی آن معرفی می‌شوند.

با توجه به حجم بزرگی از مقاله‌ها، مصاحبه‌ها، نقدها و ... درباره‌ی شعر دهه‌ی هفتاد، نگارنده درباره‌ی این جریان به تفصیل سخن گفته و کوشیده ریشه‌های شکل‌گیری و نیز مختصات آن را بر شمرده و تبیین کند.

«با معیارها و ابزارهای سنجش گذشته نمی‌توان این پدیده‌های نو را به شایستگی بازشناخت»

«با معیارها و ابزارهای سنجش گذشته نمی‌توان این پدیده‌های نو را به شایستگی بازشناخت».

نویسنده جهت یافتن معیارها و ابزارهای سنجش، چهار بنیان می‌نهد و سنجش خود را جهت یافتن ساز و کار زیباشناسانه‌ی شعر آغاز می‌کند:

زبان - شکل، فرم و ساختار - صور خیال و معنا و محتوا حوزه‌های این نوشتار را شکل می‌دهند «واکاری و بازنمایی گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران الزاماً به معنی تایید همه‌ی این نوآوری‌ها نیست. این که هر کدام از این هنجارشکنی‌ها و نوآوری‌ها تا چه اندازه درست و موفق بوده، سخن دیگر است.»

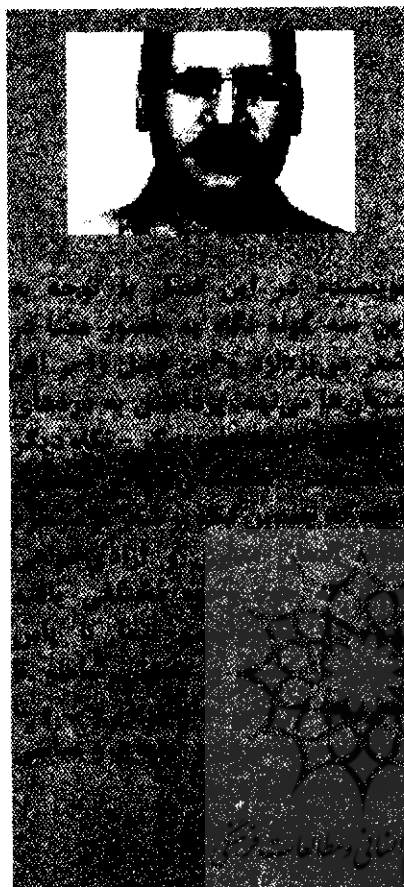
چنان که پیش از این آمد نویسنده در پی داوری نیست و تنها به جستجوی بازنمایی

گونه‌های نوآوری است. با بررسی سویه‌های مختلف متن به شکلی که عنار مورد تحلیلی در ارتباط و تناسب با هم دیگر آمده‌اند که می‌تواند معهود ذهنی و سنتی مخاطب را تغییر دهد و او را به دریافتی ارگانیک از شعر برساند به جای معن کردن، یعنی مثله شدن متن.

از نظر کمی میزان پرداخت به مطالب تقریباً همسان است (بین ۷۰ تا ۸۰ صفحه) به جز نوآوری در حوزه‌ی زبان که بیش از نود صفحه است و نوآوری در حوزه‌ی معنا که حدود پنجاه صفحه را به خود اختصاص داده. هر فصل با پیش درآمدی به نمونه‌ها و شواهد شعری می‌رسد که در بخش نوآوری در حوزه‌ی زبان بعد از پیش درآمد به این عناوین برمی‌خوریم واژه‌ها - اطلاعات ریاضی - حقوقی - سیاسی. اصطلاحات دستوری - فعل‌ها - جابه‌جایی ضمیر و فاصله انداختن میان موصوف و صفت - صفت و موصوف - انحراف صفت - کاربرد ویژه‌ی قیده‌ها، ضمیر و حروف - ترکیب‌ها - باستان‌گرایی - نحو شکنی‌های امروزی - حذف‌های غیر متعارف.

در بخش واژگان نگارنده به تفاوت حضور واژه در شعر گذشته و اکنون می‌پردازد و حضور واژه‌های جدید که در حوزه‌ی زندگی امروز قرار دارند از آن جمله است اما تفاوت استفاده از این واژگان در شعر کسانی چون بهار و فروزان‌فر با شاعرانی مثل نیما و پروان او را برمی‌شمارد. که تغییر درنگاه، پایگاه اندیشگانی و ... همه در چگونگی حضور واژگان جدید خود را می‌نمایاند.

حوزه‌ی نمونه‌ها و شواهد شعری که در این قسمت آمده از نیما تا شاعران دهه‌ی هفتاد



است که حضور واژگان، ترکیبات و مثل‌های روزمره و امروزی را در خود نشان می‌دهد. بنابراین این واژگان و نام‌ها از شکل منتزع و معمول خود به درمی‌آیند و در ساختار شاعرانه منتشر شده و شعر را برمی‌سازند و برمی‌کشند.

کلمه، ترکیب، فعل، صفت، ضمیر، قید در شکل نو، کارکردی دیگر گونه یافته‌اند که در نگاه متفاوت شعر معاصر فارسی عملکردی متفاوت با گذشته پیدا کرده‌اند نگارنده بخشی جداگانه را به زبان شعر امروز تحت عنوان «تحو شکنی‌های امروزی» اختصاص داده است. که ادامه و گسترش بحث زبان در بخش جریان شناسی است همراه با شواهد شعری از شاعران این گستره.

فصل دوم کتاب، نوآوری در شکل، فرم و ساختار است «در نقدهای رسمی، سنتی و دانشگاهی کمتر به بررسی و نقد فرم شعر پرداخته شده است. اما بخشی از نقد فرم شعر امروز، بررسی فرم را بنیادی‌ترین موضوع بررسی شعر می‌داند.

چنان که بخش عمده‌ی فصل پیشین در نقد بلاغی گذشته سابقه دارد و کتاب‌های علوم بلاغی به آن توجه نشان داده‌اند.

همچنین می‌توان آن را بیش‌تر به داوری‌های ارزشی گذشته نسبت داد که محتوا را در این مبانی برمی‌کشد و مرکزیت می‌بخشد البته این نگاه، امروزه به گونه‌ای دیگر است «امروزه ساختار شعر را همچون قالب و ظریفی نمی‌پندارند که محتوا در آن ریخته شده باشد. بلکه آن را پدیده‌ای می‌دانند که همراه با روند پدید آمدن شعر صورت می‌پذیرد و شکل می‌گیرد.»

همچنین، فرم را نمی‌توان قالب دانست زیرا

در هیچ یک از قالب‌های شعر کهن ظرفیت زیباشناسانه‌ی فرم را نمی‌توان سراغ کرد. قالب را روابط فنی از پیش تعریف شده و محور معنایی از پیش آماده می‌سازد اما فرم در روابط فنی متکثر و نامعینی معنا شکل می‌گیرد.

آنچه در فصل نوآوری در شکل، فرم و ساختار می‌خوانیم عبارتند از کل ذهنی، فرم - بیان‌روایی و نمایش نامه‌ای - تغییر و

آمیز لحن‌ها - شکل نوشتار - شعر دیداری، کانکریت و شعر توگراف، کوتاهی و بلندی شعرهای امروز (ترانک - شعرک - هایکو) - آغاز ناگهان و پایان ناتمام - وزن و عروض شعر جدید - شعر و منشور.

«بیشتر کتاب‌های بلاغی تعاریفی محدود و تکراری از عنار چهارگانه‌ی خیال تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز ارائه داده‌اند و به تحلیل و واکاری زبان‌شناسانه‌ی تصاویر خیالی نپرداخته‌اند از همین رو، بر چهره‌ی بسیاری از زیبایی‌های هنری اشعار پرده افتاده است.»

چنان که عمده‌ی بحث‌های زیباشناسی آکادمیک بر بیان قدیم استوار است و کمتر تن به گسترش این حوزه داده است که نگارنده می‌کوشد در جلوه‌های دیگری از صور خیال بیابد و نشان دهد همچنین اذعان دارد که بخشی از شعر پیشرو را با دستگاه سنتی بیان سرسازگاری نیست بل که غیاب آن را از مختات خود می‌شمارد.

آنچه در این فصل آمده از این قرار است: شعر تصویر، شعر بی‌تصویر - تصویرهای تازه - تصویر زمان (شب، روز، صبح، غروب)، تصویر فصل‌های چهارگانه - تصویر مرگ - تصویر مفاهیم انتزاعی - تصویر پدیده‌های تازه - تصویر دنیای کودکی - سمبول و نماد - اسطوره

جستجوی تصاویر به گونه‌ای است که مفهوم نواندیشی را در صور خیال بازنماید و تفاوت نگاه شاعران امروزی را با گذشته‌ی شعر فارسی نشان دهد مثلاً شب در شعر فروغ فرخزاد، (زمان گذشت و شب‌روی شاخه‌ی لخت اقاقی افتاد/ شب پشت شیشه‌های پنجره سر می‌خورد / و با زبان سردش / ته مانده‌های

روز رفته را به درون می‌کشد).

«اگر در ادبیات گذشته‌ی ایران نمادهایی همچون سرو، پروانه، مجنون، خضر، محتسب و ... تکرار می‌شوند، امروزه سمبول‌های تازه‌ای همچون شقایق، شب، توفان، نوح، پنجره، دیوار، کویر و ... جای آن‌ها را گرفته‌اند، البته تکرار همین نمادها هم تازگی و طراوت آن‌ها را از میان می‌برد و برای تازه شدن همواره باید به دنبال سمبول‌ها و نمادهای تازه بود.»

رویکرد به معنا گونه‌گون است، معنا در شعر گذشته بیش‌تر در حوزه‌های رسمی و فکری با شعر در رفتار است که به موازات آن زبان نیز با همان هیمنه و شکوه رخ می‌نماید. اما در دوره‌ی مشروطه نقد اجتماعی و فکری در گستره‌ای وسیع‌تر آشکار می‌شود که زبان را نیز با خود فرو می‌کشد.

البته این به معنای انکار نگاه اجتماعی و نقد اندیشگانی در شعر گذشته نیست که چهره‌ی بارز آن فردوسی، خیام، سعدی و حافظ است که به هیچ کدام از نهادهای رسمی پایبندی ندارند.

آنچه قابل توجه است نوع برخورد با زبان است، زیرا شعر و پیشرو معنا را دیگر گونه می‌بیند. زیست و اندیشه‌ی امروز، شاعر را در مقام «پس شعرا آمد و پیش انبیا» و لسان‌الغیبی نمی‌بیند و معنا را نیز از تحکم و قطعیت سنتی خود تهی می‌کند و اینها همه نیز در رفتار با زبان باز می‌یابد.

نویسنده در این فصل با توجه به این سه گونه نگاه به حضور معنا در شعر می‌پردازد و این فصل را بر این عنوان‌ها می‌نهد. پرداختن به دردهای اجتماعی - ملت‌های دیگر - نگاه دیگر به طبیعت - جلوه‌های زندگی معاصر.

می‌کند. که می‌توان در چاپ‌های دیگر این
نقیصه را رفع کرد.
چنان که نگارنده در آغاز انگیزه‌ی نوشتن
کتاب را درخواست دانشجویان و همکاران
دانشگاهی بیان کرده‌اند می‌توان این کتاب
را مرجع مناسبی برای درس شعر معاصر در
دانشگاه پیشنهاد کرد.

پانوش:

۱. دکتر بهرام مقدادی، نشست ادبیات معاصر، ایران،
۷۷/۴/۲۷.
۲. منوچهر آتشی، مراسم اعطای چهارمین دوره‌ی
شعر کارنامه.
۳. ص ۱۹، گونه‌های نوآوری
۴. زری نعمی - علیه هنجارها، جهان کتاب.
۵. ص ۱۲ - ۱۱، گونه‌های نوآوری
۶. ص ۱۳، همان
۷. ص ۲۰۰، همان
۸. ص ۱۹۹، همان.
۹. ص ۲۰۱، همان
۱۰. ص ۲۵۲، همان
۱۱. ص ۳۴۱، همان
۱۲. نام مقاله‌ای از دکتر ضیاء موحد.

آنچه که چندین دهه بر شعر نو سیطره دارد،
انسان‌مداری و آزادی‌خواهی است که خود
وجوه مختلفی یافته است. از سمبولیسم نیما
تا یاس اخوان، از عشق و عصیان شاملو
تا شعرهای چریکی سلطان‌پور و ... و تا
رمانتیسیم مشیری و ابتهاج و سانتی ماتالیسم
کارو و

«جادوی شعر گذشتگان» فصل پنجم کتاب را
رقم زده است با عنوان «نوآوری در قالب‌های
گذشته‌ی شعر فارسی» که فقط قالب غزل را
در بر می‌گیرد. البته به جز یک مورد که
شاهدی از مثنوی آمده در صفحه ۴۵۷ و
نیز اشاره‌ای به این قالب در صفحه‌ی ۴۶۹.
تمام بحث‌های این فصل بر محور قالب غزل
است.

بعد از پیش درآمدی که سیر توجه به مسائل
جدید در غزل را توضیح می‌دهد با نام‌هایی
آشنا چون نیما، خانلری، توللی، ابتهاج،
منزوی، بهبهانی و نیستانی روبرو می‌شویم.
بخش‌های دیگر چنین است: گونه‌های
نوآوری - واژه‌ها - ترکیب‌ها - تصرف
زبانی - تغییر و تنوع لحن - پایان ناتمام و
آغاز ناگهان - وزن - شکل و ساختار.
روزگاری که خانمان شعر از درون و برون
در تلاشی خود به جستجوی وطن نامالوف
است غزل در برزخ ماندن در نظم کیهانی خود
و فرا روی از آن در هجوم گزاره‌های فرامتنی
گرفتار آمده است که
«جسم غزل است اما روح همه نیمایی
است»

در جریان شناسی شعر معاصر، شعر دهه‌ی
شصت از قلم افتاده است، همچنین نداشتن
فهرست تفصیلی جستجوی مطالب به صورت
جزیی و یافتن بخش‌های فرعی را دشوار

چاپ سوم
سفیدخوانی
شعرهای کوتاه کوتاه کوتاه
محمد عزیزی
منتشر شد

...

قرن‌ها خواهیم خفت!
فرصت دیدن و عاشق شدنم
کوتاه است!

نشر روزگار

روک